

فصلنامه مطالعات سیاسی
سال سیزدهم، شماره ۵۰، زمستان ۱۳۹۹
صفحات: ۱۲۸-۱۱۱
تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۵/۱۱؛ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۹/۸/۲۰
مقاله: پژوهشی

واکاوی هژمونیک شدن گفتمان اعتدال دولت حسن روحانی از منظر تحلیل گفتمانی لاکلا و موف

فرزانه رحمتی* / محمدرضا دهشیری** / رضا سیمبر*** / گارینه کشیشیان سیرکی****

چکیده

گفتمان اعتدال در یازدهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری در فضای سیاسی-اقتصادی متشنج حاصل از ناکارآمدی گفتمان حاکم بر کشور توانست به اقبال عمومی برسد. روحانی حامل گفتمان اعتدال، با برجسته نمودن رویکرد اعتدال و تعامل سازنده در این گفتمان و مفصل بندی دال های مختلف نظام معنایی حاکم بر گفتمان را عمومیت بخشید و هژمونی گفتمان حاکم را به چالش کشاند و نظم مورد نظر خویش را بر جامعه و گفتمان حاکم ساخت. گفتمان اعتدال توانست در تنازع گفتمانی با تکیه بر دال مرکزی تعامل سازنده و به دلیل برخورداری از موقعیت سوژگی فعال و منسجم با فرایند حاشیه رانی و برجسته سازی در رقابت گفتمانی در مقابل گفتمان حاکم بر کشور و سایر گفتمان های رقیب غلبه نماید و با میزان دسترسی بالا در بین مردم به کسب اعتبار بیشتر دست یابد و به منزله هژمونیک برسد. پژوهش حاضر بر اساس نظریه گفتمانی لاکلا و موف به تبیین گفتمانی دولت یازدهم و در صدد بررسی چگونگی هژمونیک شدن گفتمان غالب در اثر کشمکش و رقابت های هژمونیک میان این گفتمان با گفتمان اصول گرایی عدالت محور و زمینه ظهور و هژمونی گفتمان اعتدال می پردازد.

کلیدواژه‌ها:

نظریه گفتمان؛ اعتدال گرایی؛ هژمونیک؛ تعامل سازنده؛ دولت حسن روحانی.

* دانشجوی دکتری روابط بین الملل، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

rahmaty.farzaneh@yahoo.com

** استاد گروه روابط بین الملل، دانشکده روابط بین الملل وزارت امور خارجه، تهران، ایران (نویسنده مسؤول).

Mohammadreza_dehshiri@yahoo.com

rezasimbar@hotmail.com

*** استاد گروه علوم سیاسی و روابط بین الملل، دانشگاه گیلان، ایران.

**** استادیار گروه علوم سیاسی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران g.keshishyan71@gmail.com

۱. بیان مسأله

موضوع دکترروحانی در مبارزه انتخاباتی خرداد ۱۳۹۲ در چند زمینه کلیدی نسبت به رقبایش متمایز بود. استراتژی آقای روحانی نقدی بر اصول و عملکرد سیاست خارجی دوره هشت ساله دولت احمدی نژاد در عملکرد روابط خارجی و تاثیر آن بر سیاست داخلی و شیوع بحران در اوضاع اشغله و نابسامان کشور به لحاظ اقتصادی و سیاسی بوده است. هدف روحانی تلاش و درمان اوضاع کشور از طریق اصلاح اساسی سیاست خارجی با حفظ اصول، ارزش ها و آرمان های انقلاب اسلامی و تغییراتی سازنده که منجر به گسل ها و در پی آن شکاف هایی در روابط خارجی جمهوری اسلامی ایران با دنیای خارج شده بود. روحانی با اتخاذ رویکرد اعتدال مبتنی بر واقع گرایی، آرمان گرایی واقع بینانه و تعامل سازنده با دنیا جهت دستیابی به منافع ملی و افزایش قدرت در سطح منطقه ای و نظام بین الملل گام برداشت. رویکرد اعتدال در منظومه گفتمان اعتدال نمایانگر درک واقع بینانه از نظم بین الملل و چالش های بیرونی در مقابل جمهور اسلامی ایران مطرح شد. این گفتمان خواستار تعامل و گفتگوی سازنده و تفاهم با جهان با حفظ امنیت ملی کشور برای ارتقاء جایگاه کشور بود. وی با تاکید و تمرکز بر تعامل سازنده با جهان در چارچوب گفتمان اعتدال از آن به عنوان کلیدی برای حل مشکلات اقتصادی و سیاسی کشور عنوان نمود. گفتمان اعتدال در صدد ایجاد تعادل و توازن با مبنا قرار دادن اعتماد و تعامل موثر با کشورهای منطقه ای به حفظ منافع ملی از طریق اعتماد سازی و تنش زدایی با دیگر کشورها نمایان گشت. به باور روحانی اعتدال گرایی نه تسلیم است نه سازش، نه انفعال است نه تقابل، بلکه به معنای تعامل موثر و سازنده با جهان، ضمن تاکید بر آرمان های انقلابی به ایجاد تعادل میان آرمان و واقعیت می پردازد. نظام معنایی گفتمان اعتدال با محوریت قرار دادن اصول تعامل سازنده همچون تنش زدایی و تدبیر در اجرای سیاست خارجی، دیپلماسی فعال در بهبود روابط با جهان در مقابل گفتمان اصول گرایی عدالت محور دولت احمدی نژاد که اعتقاد به فراملی بودن انقلاب ایران و تعهد به صدور آن و در صدد شالوده شکنی و بر سازی نظم نوین با ماهیت انقلاب اسلامی و اتخاذ رویکرد تهاجمی در حل مشکلات هسته ای بود، بر جسته گردید. رویکرد متفاوت احمدی نژاد به سیاست خارجی و چالش های ایجاد شده از مواضع وی در مواجهه با نظام و جامعه بین الملل زمینه بروز و ظهور گفتمان جدیدی را فراهم نمود. پژوهش حاضر با استفاده از داده های اینترنتی و اسناد معتبر و نیز روش کتابخانه ای در صدد پاسخ گویی به این مسأله است که چگونه گفتمان اعتدال توانست

در رقابت گفتمانی به منزله هژمونیک دست یابد؟ بر اساس فرضیه حاصل گفتمان اعتدال در تنازع گفتمانی با تکیه بر دال مرکزی تعامل سازنده و به دلیل برخورداری از موقعیت سوژگی فعال و منسجم با فرایند حاشیه رانی و برجسته سازی قادر شد در رقابت گفتمانی در مقابل گفتمان حاکم بر کشور و سایر گفتمان های رقیب غلبه نماید و با میزان دسترسی بالا در بین مردم به کسب اعتبار بیشتر دست یابد و به منزله هژمونیک برسد.

۲. چارچوب نظری

۲-۱. چگونگی تکوین و نظام معنایی گفتمان لاکلا و موف

نظریه گفتمان لاکلا و موف مهمترین نظریه گفتمان در حوزه علوم سیاسی از کارایی بالایی برای تبیین چگونگی ظهور، استمرار و افول گفتمان های و بررسی تعامل میان آنها برخوردار است و ابزارهای تحلیلی کارآمدی برای تحلیل پدیده های سیاسی و اجتماعی در سطح کلان در اختیار ما قرار می دهد (قربشی و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۴۴). لاکلا و موف در تبیین نظریه شان از دو دسته مفاهیم بهره برده اند: نخست مفاهیمی که به کمک آن ها می توانیم نظریه معنایی آن ها را برای توصیف صورتبندی گفتمان به کار می رود، بیان کنیم. دوم، مفاهیمی که در نظریه اجتماعی شرح داده شده و از آن ها به عنوان مفاهیم اساسی برای توصیف و تحلیل کشمکش های گفتمان می توان استفاده کرد (کسرایبی، سعیدی، ۱۳۹۵: ۱۳۲). نظام معنایی گفتمان لاکلا و موف از طریق عمل مفصل بندی شکل می گیرد. مفصل بندی گفتمان ها و دال مرکزی، برداری از نیازها و خلاء های یک جامعه است که گفتمان با طرح آن در قالب مفصل بندی سعی در پاسخ به مشکلات و رفع آن در گفتمان خودشان دارند. لاکلا و موف با بکارگیری مفاهیمی چون مفصل بندی، دقیقه، دال مرکزی، دال های شناور، خصومیت و غیریت، هم ارزی و تفاوت به چگونگی تکوین گفتمان ها در عرصه اجتماعی و معنا دهی به امور توسط گفتمان ها را توضیح می دهند (Laclau & Mouffe, 2013). دال مرکزی نشانه ای است که سایر نشانه ها حول آن نظم می یابند و مفصل بندی می شوند. دال های دیگر معنای خود را از طریق ارتباط با دال مرکزی اخذ می کنند. در واقع گفتمان های رقیب تلاش می کنند در کشمکش دنباله دار معنای دال های شناور را حول دال مرکزی گفتمان شان تثبیت کنند (فیروزآبادی، عطایی، ۱۳۹۴: ۹۱). در نظریه گفتمان لاکلا و موف معانی و نشانه ها همواره در درون گفتمان شکل می گیرند و آن ها بر سر خلق معنا با یکدیگر در حال مبارزه و نزاع و رقابت هستند و

هریک خط مشی های متفاوتی برای عمل اجتماعی ارائه داده و بر این اساس گفتمان ها با انجام غیریت سازی، یکدیگر را نفی و طرد و یا به حاشیه می برند. لذا همواره در وضعیت تخصم و ایجاد دشمنی و تثبیت مرز خود با سایر گفتمان ها می باشند (اخوان کاظمی، ۱۳۹۱: ۸). خصومت همواره وجود یک گفتمان را تهدید می کند و آن را در معرض فروپاشی قرار می دهد. ایده کلی نظریه گفتمان لاکلا و موف این است که پدیده های اجتماعی هزگز ثابت نیستند و این راه مبارزات اجتماعی برای استقرار گفتمان جدید را باز می گذارد. خصومت و غیریت از یک سو موجب قوام و انسجام و از سوی دیگر منجر به زوال و فروپاشی آن نیز می شود. اساسا گفتمان ها در ضدیت و تفاوت یا یکدیگر شکل می گیرند. به باور و اعتقاد لاکلا و موف هدف نظریه گفتمان درک و فهم پدیده های اجتماعی به عنوان یک ساختار اجتماعی است که به موجب آن همه پدیده های اجتماعی در قالب گفتمانی قابل تجزیه و تحلیل است (لاکلا و موف، ۱۳۹۲: ۱۸۱). گفتمان نخست بر اساس زنجیره هم ارزی، افراد را با ویژگی ها و شخص های مشابه کنار هم قرار می دهد. گفتمان ها از طریق زنجیره هم ارزی تفاوت های موجود در میان عناصر را از بین می برند و موجب وحدت و انسجام میان آنها می شوند. در این شرایط عناصر خصلت های متفاوت و معناهای رقیب را از دست می دهند و در معنایی که گفتمان ایجاد می شود، منحل می شوند. شرط وجودی مفصل بندی جدید، زنجیره هم ارزی است که فرایند تمایزات میان دال ها را از طریق مفصل بندی کاهش می دهد. در نتیجه گفتمان ها اموری بسته و تغییرناپذیر نیستند و هویت خود را به واسطه نوع ارتباطی که با سایر گفتمان ها دارند بازتعریف می کنند. گفتمان وقتی توانست به یک ثبات نسبی برسد و نظام معنایی خود را تثبیت نماید، به یک گفتمان هژمونیک تبدیل می گردد (مقدمی، ۱۳۹۰: ۹۴).

۲-۲. سلطه و هژمونی گفتمان

در نگاه لاکلا و موف هژمونی در سراسر جامعه وجود دارد و با هم در تنیده اند. از این منظر گفتمان زمانی تشکیل می شود که تثبیت معنا صورت گیرد. هژمونی یک گفتمان مبتنی بر انسجام معنایی دال های دیگر حول دال مرکزی است. در صورتی که یک گفتمان موفق شود با اتکا بر دال مرکزی خود مدلول های مد نظر خود را به دال های گفتمانش نزدیک کند، یا به عبارت دیگر، نظام معنایی مطلوب خویش را در ذهنیت جمعی اجتماع، هر چند به طور موقت، تثبیت کند و رضایت عمومی را جلب کند، آن گفتمان هژمونیک می شود. اما در صورتی که گفتمان رقیب بتواند به کمک سازوکارهای مختلف این نظام معنایی را شالوده شکنی کند و

ساختارهای معنایی شکل گرفته در ذهنیت جمعی مردم را درهم بریزد آن گاه این گفتمان هژمونی اش را از دست می دهد. بنابراین موفقیت گروه های سیاسی به توانایی شان برای تولید معنا بستگی دارد. اعمال هژمونیک نمونه ای از اعمال سیاسی اند و شامل پیوند هویت های متفاوت و نیروهای سیاسی به یک پروژه مشترک و ایجاد نظم اجتماعی جدید از عناصر پراکنده و متنوع است. مفهوم هژمونی ریشه در اندیشه گرامشی دارد. هژمونی در نگاه گرامشی ناشی از قدرت اقناع طبقات محکوم توسط طبق حاکم در راستای منافع آنهاست (مقدمی، ۱۳۹۰: ۱۰۳). لاکلا تلاش پروژه های سیاسی برای تثبیت گفتمان های محدود و معین را اعمال هژمونیک می نامد. این اعمال دو شرط دارند: اول وجود خصومت و نیروهای متخاصم و دوم بی ثباتی مرزهایی که این نیروها را متمایز می کند. بنابراین زمینه اعمال هژمونیک حوزه اجتماعی خصمانه و پروژه های مختلفی است که با هم در نزاع و رقابتند و عناصری که می توانند جذب و مفصل بندی شوند. هدف اعمال هژمونیک ایجاد یا تثبیت نظام معنایی یا صورتبندی هژمونیک است. این صورتبندی ها در اطراف دال مرکزی سازمان یافته اند که جامعه در اطراف آن شکل می گیرد. هژمونیک شدن یک گفتمان به معنای موفقیت آن در تثبیت معانی مورد نظر خود است (حسینی زاده، ۱۳۸۸). تثبیت موقعیت هویت ها و جایگزینی سلطه به جای زور و عادی و طبیعی جلوه دادن قدرت و مطابق حقیقت نشان دادن آن با واقع مهمترین کارویژه هژمونی است.

بر اساس نظریه گفتمان لاکلا و موف چهار عامل در هژمونیک یافتن گفتمان تاثیر دارد. ۱-۲-۲. عاملان سیاسی یا سوژگی سیاسی: این مفهوم به شیوه هایی اشاره دارد که افراد به عنوان عاملان اجتماعی عمل می کنند. سوژه به عنوان عامل سیاسی یا کارگزار دست به عمل سیاسی می زند و هژمونی گفتمان حاکم را به چالش طلبیده و نظم مورد نظر خویش را بر جامعه و گفتمان حاکم می سازد. در این موقعیت سوژه از آزادی اراده و استقلال برخوردار است. لاکلا می گوید به دلیل این که گفتمان ها و ساختارها هیچ گاه تثبیت نمی شوند و همواره نوعی تزلزل و بحران در آن ها وجود دارد و به دلیل امکانی بودن و تصادفی بودن گفتمان ها و جوامعی که ایجاد می کنند می توانیم شاهد ظهور سوژه سیاسی باشیم. زمانی که یک گفتمان دچار تزلزل می شود و نمی تواند به عاملان اجتماعی هویت اعطا کند امکان ظهور سوژه سیاسی فراهم می گردد. در این جا افراد به عنوان رهبران و سیاستمداران و متفکران بزرگ در نقش سوژه ظاهر می شوند. به عبارت دیگر، سوژه ها بر لبه های متزلزل ساختارهای

گفتمانی ایجاد می شوند. در واقع زمانی که گفتمان مسلط دچار ضعف می شود زمینه ظهور سوژه و مفصل بندی های جدید فراهم می گردد و در این شرایط افراد در مورد گفتمان تصمیم گیری می کنند و نه در درون آن. در این وضعیت افراد عاملیت یافته با گزینش گفتمانی ویژه به بازسازی امر اجتماعی دخالت می کنند (حسینی زاده، ۱۳۸۳: ۳۲). این عاملیت و سوژگی سیاسی نقش تعیین کننده ای در رقابت های هژمونیک میان گفتمان های رقیب در وضعیت ازجاشدگی و غلبه یک گفتمان بر دیگر گفتمان های در این رقابت ایفا می کند. بنابراین در تحلیل گفتمان، عاملان سیاسی نقش تعیین کننده ای در دست یابی گفتمان به منزلت هژمونیک دارند (فیروزآبادی، عطایی، ۱۳۹۲: ۹۶).

۲-۲-۲. طرد و برجسته سازی: گفتمان ها به واسطه فرایندهای برجسته سازی سعی می کنند نقاط قوت خود را برجسته کرده و با به حاشیه راندن کاستی هایشان، خلاها و ضعف هایشان را بیوشانند؛ همچنین در فرایندی وارونه، نقاط قوت و برتری رقبا را به حاشیه برانند و نقاط ضعف آنها را برجسته سازند. در منازعات گفتمانی هر گفتمان با برجسته کردن نقاط قوت خود و نقاط ضعف رقیب و با حاشیه راندن نقاط ضعف خود و نقاط قوت رقیب، سعی در کشیدن هاله ای از قدرت دست نیافتنی به اطراف خود است. حاشیه رانی و برجسته سازی شیوه ای برای استمرار قدرت و دوام هژمونیک گفتمان است (مقدمی، ۱۳۹۰: ۱۰۴). بنابراین، مکانیسم های برجسته سازی و حاشیه رانی، شیوهایی برای تقویت خود و به حاشیه راندن دیگری است. گفتمان ها با بهره گیری از همین دو شیوه است که با معنا دهی خاص به نشانه ها و اجماع سازی، میتوانند مدلول خاصی را به دال مرکزی بچسبانند و آن را هژمونیک کنند و تلاش می کنند با طرد و شالوده شکنی دال مرکزی گفتمان رقیب، هژمونی اش را بشکنند.

۲-۲-۳. دسترسی: یکی از قابلیت هایی که امکان هژمونیک شدن را در اختیار گفتمان ها قرار می دهد، قابلیت دسترسی آن است. قابلیت دسترسی به این معنا است که گفتمان در شرایط آشفتگی و بی نظمی بتواند نظم جدید ایجاد کند و خود را در دسترس مردم قرار دهد. در شرایط بی نظمی نیاز به نظم اهمیت دارد زیرا غلبه گفتمان منسجم کردن مردم در دنیای آشفته است (Ghajari, 2013: 28). از اینرو، در دسترس بودن، عبارت است از وجود گفتمان در عرصه اجتماعی و قابلیت دسترسی مردم به آن. به عبارت دیگر، یعنی در دسترس بودن در زمینه و موقعیتی که هیچ گفتمان دیگری خود را به عنوان جایگزین واقعی هژمونیک نشان نداده است (Luclau, 1990: 60).

۲-۲-۴. اعتبار: چهارمین عامل از نظر لاکلا و موف که به هژمونی شدن گفتمان منجر می شود «اعتبار» است. قابلیت اعتبار به سازگاری اصول پیشنهادی گفتمان با اصول بنیادین جامعه اشاره دارد؛ به این معنا قابلیت اعتبار یعنی صورتبندی گفتمان باید منطبق بر خواست ها، ذهنیت ها و آرزوهای اکثریت جامعه بوده و از این نظر برای آن ها قابل فهم و درک باشد. حتی در بحرانی ترین شرایط نیز همواره اصولی وجود دارد که برای اکثریت افراد جامعه ارزشمند هستند و گفتمان ها نمی توانند با آن ها مقابله کنند؛ به عنوان مثال هر گفتمانی که در عرصه سیاست خارجی ایران مطرح می شود اگر ارزش هایی چون عزت و استقلال ملی را نادیده بگیرد، اعتبار خود را از دست می دهد و از طرف مردم طرد می شود (فیروزآبادی، عطایی، ۱۳۹۴: ۲۷).

۴. تجزیه و تحلیل دال مرکزی گفتمان اعتدال از منظر گفتمان لاکلا و موف

«تعامل سازنده» دال مرکزی گفتمان اعتدال است. بر اساس دال مرکزی سایر دال ها و نشانه های معنایی این گفتمان حول آن شکل گرفته و مفصل بندی شده اند. گفتمان اعتدال سر آغاز فصل جدیدی از دیپلماسی فعال و تعاملی برای برطرف شدن سوء تفاهم ها و ایجاد فرصت های جدید به شمار می آید. از نظر روحانی تنش زدایی و صلح برای پیشبرد اهداف منافع ملی ایران ضروری است. سازندگان این گفتمان معتقدند از طریق تعامل سازنده می توان ضمن خروج از بن بست های سیاسی چهره ای جدید از کشور ایران در روابط بین الملل پدیدار کنند تا با کاستن هزینه ها، بیشینه سازی منافع ملی صورت بگیرد. درک صحیح از ساختار ها و کارگزاران بین المللی، تناسب بین ساختار سیاست خارجی و کارگزاران دیپلماسی بر مبنای دو اصل «بازسازی ساختارها» و «باز تنظیم مناسبات و فرایندها» از باید های گفتمان اعتدال عنوان شده است (آجیلی، افشاریان، ۱۳۹۵: ۶۵). به باور حسن روحانی سیاست خارجی چند سال پیش با تنش زدایی و تندروری عملا ایران را وارد فاز امنیتی نمود و زمینه را برای تحقق و رشد و توسعه همه جانبه کشور کاهش داده است (رضایی، ترابی، ۱۳۹۲: ۱۳۲). سیاست روحانی در راستای تعامل سازنده از طریق تنش زدایی، اعتمادسازی، دوری از امنیتی شدن، کسب پرستیژ ایران، دیپلماسی فعال و روابط با سایر کشورها و سازمان های بین المللی فراهم می گردد. در واقع تعامل سازنده را می تواند بر مبنای مفاهیمی چون همزیستی مسالمت آمیز، اعتماد و احترام متقابل منافع و تفاهم تعریف کرد (فیروزآبادی، ۱۳۹۳: ۱۷). بر باور وی تعامل سازنده می

تواند کلید حل بسیاری از مشکلات باشد (عابدینی، ۱۳۹۶: ۲۷۵). مبنای تعامل تفاهمی مورد نظر در گفتمان اعتدال، درک و فهم پیام‌ها و کنش‌های معنایی دیگر است که امکان نزدیکی و برقراری ارتباط و مکالمه بیشتر بین دو طرف را فراهم می‌کند (ادیب زاده، ۱۳۸۷: ۲۰۲). از طرفی تعامل ابزاری است که در آن نیل به موفقیت جای تفاهم را می‌گیرد، بیشینه سازی سود و منفعت طرفین است و بیشتر متکی بر منافع اقتصادی و تجاری مطرح است.

۵. بسترهای افول گفتمان اصول‌گرای عدالت‌محور و ظهور گفتمان اعتدال

انتخابات یازدهمین دوره ریاست جمهوری و ظهور گفتمان اعتدال در وضعیتی رخ داد که گفتمان حاکم بر جمهوری اسلامی ایران گفتمان اصول‌گرای عدالت‌محور با نمایندگی احمدی‌نژاد بود. وی بر مبنای اهداف گفتمان اصول‌گرا وضع موجود در نظام بین‌الملل را مورد انتقاد قرار داد و ضمن نامناسب دانستن آن بر لزوم تغییر و تحول نظام بین‌الملل تاکید نمود. (امیدی، قلمکار، ۱۳۹۸: ۵۶). موضع‌گیری‌های سیاست خارجی احمدی‌نژاد منجر به واکنش غرب و اعمال فشار و تحریم‌های بین‌المللی و در نتیجه اوضاع نابسامان در عرصه داخلی و خارجی گردید. (مولانا، محمدی، ۱۳۸۸). بر این اساس عوامل افول هژمونیک گفتمان اصول‌گرا عبارتند از:

۵-۱. سیاست نگاه به شرق

مهمترین پارادایم سیاست خارجی دولت نهم در چارچوب تعامل با کشورهای شرقی بویژه چین و روسیه با عنوان سیاست نگاه به شرق مطرح شد. رویکرد دولت جدید در اتخاذ نگاه به شرق به منظور شکل‌گیری یک محور ضد آمریکایی در مقابل سیاست‌های یکجانبه‌گرایانه آمریکا بوده است. بر این اساس در تقابل با قدرت‌های غربی به همکاری فراگیر با کشورهای موسوم به کشورهای شرقی روی آورد. احمدی‌نژاد در تعمیق روابط با بازیگران منطقه از ابزارهای موثر چون پیوستن به سازمان همکاری‌های شانگهای را مورد توجه قرار داد. سازمانی که چین و روسیه دو ستون اساسی آن به شمار می‌آیند و جمهوری اسلامی ایران و هند نیز مشترکا در سال ۲۰۰۵ به عضویت ناظر آن در آمده‌اند (آدمی، ۱۳۸۹: ۱۱۱).

۵-۲. رویکرد تهاجمی در گفتمان هسته‌ای

گفتمان اصول‌گرای عدالت‌محور مهمترین استراتژی شالوده‌شکنی خود در عرصه سیاست خارجی و مدیریت در پرونده هسته‌ای را اتخاذ رویکرد تهاجمی و مقابله با غرب می‌دانست. راه

اندازی تاسیسات هسته ای فردو، آغاز غنی سازی ۲۰ درصدی اورانیوم، تعلیق بازرسی های آژانس نمونه ای از اقدامات متقابل در برابر تشدید فشارها از سوی غرب است که ناشی از رویکرد تهاجمی در مدیریت سیاست خارجی است (Naji, 2008: 125).
رویکرد تهاجمی سیاست خارجی احمدی نژاد در مقابل غرب زمینه افول گفتمان اصول گرا را فراهم کرد و نظام معنایی گفتمان را دچار تزلزل ساخت. همچنین قابلیت هایی که به این گفتمان منزلت هژمونیک بخشیده بود را تضعیف کرد. با تشدید تحریم های بین المللی، اوضاع نابسامان اقتصادی داخلی و ائتلاف سازی علیه ایران در محیط بین المللی، بستر شالوده شکنی و واسازی دال مرکزی این گفتمان فراهم گردید؛ نیروهای اجتماعی که حول این گفتمان جمع شده بودند را پراکنده ساخت و موقعیت هژمونیک گفتمان را متزلزل کرد. (Fallahi, 2007: 78). آثار این تحریم ها منجر به از بین رفتن شرکای اقتصادی، از بین رفتن بازارهای بین المللی و فلج شدن اقتصاد در ایران گردید. فشارهای اقتصادی ناشی از تحریم ها فرصتی در اختیار گفتمان ها رقیب قرار داد تا با حاشیه راندن گفتمان اصول گرا آن را به چالش بکشاند و گفتمان تازه ای ظهور کند (ذوالفقاری، ذینی، ۱۳۹۷: ۸۲).

۶. عوامل هژمونیک شدن گفتمان اعتدال

گفتمان لاکلا و موف این امکان را به ما می دهد تا رقابت گفتمان های رقیب برای هژمونیک شدن را روایت کنیم. ظهور، تکامل و بسط گفتمان ها در سایه «غیر» یا «خصم» صورت بندی می شود (تاجیک، ۱۳۸۶: ۱۴۹). نظریه گفتمان لاکلا و موف در صدد نشان دادن این است که چگونه پدیده های مختلف در سیاست خارجی معنا دار می شوند و این معانی برساخته شده و تکامل می یابد. بر این مبنای می توان استراتژی هژمونیک شدن یک گفتمان در غلبه بر گفتمان رقیب را به عنوان گفتمان فراگیر و غالب تبیین نمود. آشفتگی فضای حاکم بر ایران زمینه کشمکش دو گفتمان رقیب و موقعیت لازم برای ظهور گفتمان جدید را فراهم ساخت. گفتمان اعتدال با استفاده از همین فرصت در انتخابات یازدهمین دوره ریاست جمهوری از طریق مفصل بندی دال های سیال حول دال مرکزی در رقابت با سایر گفتمان ها توانست نظام معنایی خود را تثبیت کند و به موقعیتی هژمونیک دست یابد. چرا که گفتمان اعتدال با اسطوره سازی و توانمند نشان دادن گفتمان در حل بحران و مشکلات اجتماعی تصویر روشن از آینده ارائه داد که در آن شرایط، دیگر خبری از مشکلات نخواهد بود. از اینرو، گفتمان اعتدال با اتخاذ رویکرد

همزیستی مسالمت آمیز از طریق تعامل با دنیا آن را به گونه ای بازنمایی کرد که توان پاسخگویی به نیازها و مشکلات و حل بحران ها را دارد.

۶-۱. برجسته سازی

۶-۱-۱. گفتمان هسته ای: مهمترین رویکرد روحانی در زمینه هسته ای حل و فصل مسالمت آمیز از طریق تعامل و همکاری با جهان است (فیروزآبادی، ۱۳۹۳: ۱۷). حسن روحانی در سخنرانی تاکید بر این دارد، مذاکرات هسته ای با قدرت های جهان پله اول برای تعامل سازنده با دنیا است. بر باور او این تعامل به نفع همه، به نفع شرق، غرب و منطقه خواهد بود. گفتمان هسته ای در انتخابات ریاست جمهوری منجر به برتری دیدگاه حسن روحانی شد. روحانی در رقابت های انتخاباتی تصریح کرد: «چرخیدن سانتریفیوژها بسیار خوب است اما به شرط آنکه جایگاه و منزلت ایران در معادلات بین المللی را نه در تقابل بلکه در تعامل سازنده با جهان جستجو نمود.» روحانی بر خلاف اصول گرایان موضوع هسته ای را به موضوع محوری و هویتی تبدیل کرده بودند؛ در پی حاشیه راندن این موضوع و حل و فصل منصفانه و مسالمت آمیز با غرب بود. روحانی پایه شعار اعتدال گفتمان سیاست خارجی خود را آرمان گرایی توأم با واقع گرایی معرفی کرد که راهی میانه بین سازش و ستیزش با غرب به رهبری آمریکا بر سر مسائلی چون موضوع هسته ای است (فیروزآبادی، ۱۳۹۳: ۱۰۶-۱۰۵).

۶-۱-۲. دیپلماسی اقتصادی: وعده تحول اقتصادی در فرصت کوتاه، استراتژی دیگر گفتمان روحانی برای برجسته کردن و افزایش مقبولیت این گفتمان در افکار عمومی بوده است. دولت یازدهم و دوازدهم سیاست خارجی خود را اقتصاد محور با هدف کمک به توسعه و رفاه ملی از طریق تعامل سازنده و موثر در روابط بین الملل عنوان کرد. وضعیت آشفته و هرج و مرج اقتصادی دوره قبل از انتخابات ناشی از اتخاذ سیاست نادرست احمدی نژاد، شرایط بدی در ایران را به وجود آورد. در این راستا گفتمان رقیب برای هژمونیک کردن گفتمان خود معضلات اجتماعی نشأت گرفته از اقتصاد را مورد توجه قرار داد. به اعتقاد روحانی، دیپلماسی اقتصادی مستلزم تعامل آمیز و نرمش پذیر با جهان است (ذوالفقاری، ۱۳۹۷: ۸۳).

۵-۲. طرد و حاشیه رانی

مهمترین استراتژی طرد در گفتمان اعتدال عبارتند از:

- برجسته سازی درک ناقص از واقعیت های جهان و بی توجهی به الزامات کنش در عرصه بین المللی توسط گفتمان رقیب برای ناکار آمد نشان دادن آن نزد افکار عمومی؛

- ماجراجویی و مقابله با موضوع هسته ای که نتیجه ای جز تحمیل هزینه به کشور نداشت؛
- تاکید بر منزوی کردن کشور در جهان از طریق بی اعتنایی به خردورزی و عقلانیت؛
- برجسته سازی فشارها و تحریم های بین المللی و مشکلات ناشی از آن؛
- رویکرد تهاجمی در موضوع هسته ای بجای تکیه بر عقلانیت و تدبیر گفتمان رقیب (فیروزآبادی، عطایی، ۱۳۹۲: ۱۱۵). بر این مبنا گفتمان اعتدال با برجسته سازی نقاط ضعف رقیب و نقاط قوت خود و نیز پررنگ نمودن نقاط ضعف گفتمان مقابل توانست به موقعیت هژمونیک دست یابد و آن را تثبیت نماید.

۵-۳. عاملان سیاسی و موقعیت سوژگی

۵-۳-۱. حسن روحانی: دکتر روحانی به واسطه مسؤولیت هایی که در نظام برعهده داشت به خوبی از شرایط کشور، منطقه و جهان آگاه بود. از اینرو با تحلیل درست از اوضاع و پیش بینی وضعیت آینده پا به عرصه انتخابات گذاشت و توانست با شعارها و برنامه های خویش موفق به کسب آرا مردم شود (عباسی و میرزایی، ۱۳۹۵: ۱۲۰). نقش افراد تصمیم گیرنده در امور داخلی و خارجی، نقش باورها و فرایندهای روانی و شناختی، درک شان از مقدرات و محذورات داخلی و بیرونی در اداره و مدیریت کشور حائز اهمیت است (قوام، ۱۳۹۷: ۱۸۶). حسن روحانی در چارچوب هنجارهای سیاسی جمهوری اسلامی ایران توانست با بیانی قابل فهم برای سیاستمداران و افکار عمومی بین المللی سخن بگوید.

۵-۳-۲. اکبر هاشمی رفسنجانی: هاشمی رفسنجانی بر پایه ساختار فکری و متکی بر محوریت اعتدال از دولت روحانی حمایت کرد. ایشان دیدگاه خود را در خصوص مشی اعتدال اینگونه بیان می کند: «مقصد اعتدال واقع گرایی اسلامی است. در واقع گرایی اسلامی نه اسلام فراموش می شود و نه آرمانها. در مسیر واقع گرایی اسلامی آرمانهای ما هم اسلامی تر می شوند و هم واقع بینانه تر. جامعه ایران به مرور زمان به سمت اعتدال حرکت خواهد کرد.» حمایت آقای رفسنجانی از روحانی نقش اصلی را در به صحنه آوردن گروهها و جریانها از روحانی بر عهده داشت (مجیدی، رحیمی نیا، ۱۳۹۷: ۱۴۸).

۵-۴. دسترسی

گفتمان اعتدال از طریق سخنرانیها و مناظرات انتخاباتی حسن روحانی به عنوان حامل اصلی این گفتمان و سایر عوامل سیاسی گفتمان شامل جریانهای سیاسی، شخصیتهای مرجع سیاسی، روشنفکران و دانشجویان در دسترس جامعه قرار گرفت. شبکه گسترده مطبوعاتی و

رسانه ای، همراهی و حمایت جمع زیادی از هنرمندان از گفتمان اعتدال، حضور فعال در فضای عمومی و دانشگاهها و استفاده گسترده از فضای مجازی و شبکه های اجتماعی از جمله شبکه و ابزارهایی بودند که گفتمان اعتدال برای در دسترس قرار دادن خود از آن ها استفاده کرد (فیروزآبادی، ۱۳۹۳: ۱۱۷).

۵-۵. اعتبار

در راستای تحقق و جلب نظر و حمایت مردم گفتمان اعتدال دستاوردهای هسته ای، دیپلماسی اقتصادی و کاهش مشکلات بین المللی را از اصول بنیادین تعامل سازنده با جهان قرار داد. گفتمان اعتدال در قیاس با سایر گفتمان ها در اثر مبارزات سیاسی توانست خود را از طریق تلاش عاملان سیاسی در دسترس قرار دهد و به واسطه طرد و برجسته سازی اسطوره خود را به تصویر اجتماعی بدل نماید و اعتبار کسب کند. گفتمان اعتدال با رویکرد و نگاه متفاوت به موضوعات و مسائل بحرانی کشور نسبت به گفتمان های پیشین و رقیب توانست به برجسته سازی گفتمان خود و شالوده شکنی دال مرکزی گفتمان رقیب و در نهایت حاشیه راندن آن از طریق نمایان کردن نقاط ضعف رقیب، هویت و نظام معنایی گفتمان خود را تثبیت کند و با میزان دسترسی بالا و اعتبار بیشتر نسبت به سایر گفتمان ها به گفتمان هژمونیک تبدیل شود.

نتیجه گیری

کاربرد نظریه گفتمان لاکلا و موف در این نوشتار از اهمیت بالایی برخوردار است. نخست آنکه این نظریه امکان تبیین و تحلیل عناصر سازنده گفتمان و هویت تشکیل شده از گفتمان را فراهم می کند. همچنین چگونگی معنا دار شدن و هژمونیک یافتن گفتمان در عرصه اجتماعی از طریق گفتمان لاکلا و موف قابل بررسی است. در این مقاله ابتدا گفتمان اعتدال دولت یازدهم و نظام معنایی حاکم بر آن و دال مرکزی تعامل سازنده تبیین و چگونگی هژمونیک شدن آن در کشمکش با گفتمان های رقیب مورد توجه قرار گرفت. بر مبنای نظریه لاکلا و موف گفتمان اعتدال در تنازع گفتمانی به دلیل توانایی در فرایند حاشیه رانی و برجسته سازی، برخورداری از موقعیت سوژگی سیاسی قوی نسبت به رقبای، میزان دسترسی بالا و کسب اعتبار بیشتر توانست بر سایر گفتمان ها غلبه نماید و به سلطه و هژمونی گفتمانی دست یابد. گفتمان اصول گرای عدالت محور رقیب گفتمانی یازدهمین دوره ریاست جمهوری، به دلیل ناکارآمدی استراتژی و

سیاست های غلط و راهکارهای نادرست در اجرای تعهدات گفتمانی خود عاجز ماند. طوریکه عرصه داخلی و خارجی ایران با شرایط نابسامان و آشفتگی های اقتصادی و سیاسی مواجه گردید. لذا گفتمان اصول گرا مقبولیت و اعتبار خود را از دست داد و با انتقادات فراوانی روبرو بود. پیرو این مسائل گفتمان از شکل گیری یک نظام معنایی تازه ناتوان ماند. بحران هویت گفتمان اصول گرا و به حاشیه رفتن آن زمینه افول و فروپاشی هژمونی گفتمان دولت احمدی نژاد فراهم شد و شرایط برای ظهور گفتمان جدید میسر گردید. گفتمان اعتدال مدعی برقراری نوعی میانه گرایی در طیفی است که از یکسو آرمان گرایی و از سوی دیگر، واقع گرایی است. گفتمان مذکور حاصل نظام معنایی و ذهنیت سازندگان و قائلان آن می باشد. گفتمان اعتدال با حفظ اصول سیاست خارجی و آرمان های انقلاب تنش زدایی و کاهش فشارها و منازعات بین المللی را هدف گفتمان می داند تا از طریق تعامل با جهان اوضاع اقتصادی و بحران های ناشی از آن را برطرف سازد. این گفتمان توانست با اسطوره سازی گفتمان خود را عمومیت بخشد و آن را به گونه ای بازنمایی کند که گویی پاسخگوی تمام مشکلات جامعه است. در طول رقابت های انتخاباتی گفتمان اعتدال با برجسته سازی دال مرکزی خود توانست نیروهای اجتماعی را در منظومه گفتمانی خود گرد هم آورد و ذهنیت های اجتماعی را تسخیر کند و با بدل شدن به تصویر اجتماعی و کسب اعتبار گفتمان را در عرصه اجتماعی و بین المللی هژمونیک سازد.

- فصلنامه مطالعات سیاسی؛ سال سیزدهم، شماره ۵۰، زمستان ۱۳۹۹
- آجیلی، هادی و افشاریان، رحیم (۱۳۹۵). «گفتمان اعتدال در سیاست خارجی دولت یازدهم»، فصلنامه پژوهش های راهبردی سیاست، سال پنجم، شماره ۱۹، زمستان، صص ۷۳-۴۵.
- احمدی، محسن (۱۳۹۴)، «جایگاه گفتمان اعتدال در سیاست خارجی دولت روحانی»، همایش ملی گفتمان اعتدال، ایلام: دانشگاه ایلام، ۲۵ و ۲۶ آذر ماه.
- اخوان کاظمی، بهرام (۱۳۹۱)، «نقد و ارزیابی تحلیل گفتمانی لاکلا و کاربرد آن در سیاست»، فصلنامه سیاست، دوره ۴۲، شماره ۴، زمستان، صص ۲۲-۱.
- آدمی، علی (۱۳۸۹). «راهبرد نگاه به شرق در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران: دیدگاه ها، زمینه ها و فرصت ها»، فصلنامه مطالعات سیاسی، دوره ۲، شماره ۷ بهار، صص ۹۷-۱۲۶.
- ادیب زاده، مجید (۱۳۸۷). زبان، گفتمان و سیاست خارجی، چاپ اول، تهران: نشر اختران.
- امیدی، علی و قلمکار، آرمین (۱۳۹۸). «تحلیل رابطه سیاست خارجی و توسعه اقتصادی: مقایسه دولت های خاتمی، احمدی نژاد و روحانی ۱۳۷۶-۱۳۹۶»، فصلنامه رهیافت انقلاب اسلامی، سال ۱۳، شماره ۴۶، بهار، صص ۷۲-۴۷.
- بخشایشی اردستانی، احمد (۱۳۸۸). «تحلیل گفتمانی در بازاندیشی اجتماعی»، مجله سیاست، شماره ۹، بهار، صص ۶۶-۵۷.
- تاجیک، محمدرضا (۱۳۸۶). «هگل و رابطه ایران و آمریکا»، فصلنامه رهیافتهای سیاسی و بین المللی، زمستان، شماره ۱۲، زمستان.
- حجازی، سید نصر الله و بهرامی، وحید (۱۳۹۷). «کاربست روش تحلیل گفتمان لاکلا و موف در رشته علوم سیاسی»، فصلنامه روش شناسی علوم انسانی، شماره ۹۹، سال ۲۵، تابستان، صص ۱۸-۲.
- حسینی زاده، محمدعلی (۱۳۸۳). «نظریه گفتمان و تحلیل سیاسی»، فصلنامه علوم سیاسی، شماره ۵۱، زمستان، صص ۲۱۲-۱۸۱.
- حقیقت، صادق و حسینی زاده، محمدعلی (۱۳۹۲). رهیافت و روش در علوم سیاسی، تهران: انتشارات سمت.
- حقیقت، صادق (۱۳۸۵). روش شناسی علوم سیاسی، قم: انتشارات دانشگاه مفید،
- دهقانی فیروزآبادی، جلال و عطایی، مهدی (۱۳۹۴). «تحلیل گفتمانی سیاست هسته ای دولت احمدی نژاد از هژمونی تا افول»، پژوهش نامه ایرانی سیاست بین الملل، سال چهارم، شماره ۱.
- دهقانی فیروزآبادی، جلال و مهدی عطایی (۱۳۹۳). «گفتمان هسته ای دولت یازدهم»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال ۱۷، شماره ۱، صص ۱۲۰-۸۷.

_____ واکاوی هژمونیک شدن گفتمان اعتدال دولت حسن روحانی...

دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۹۳). «گفتمان اعتدالگرایی در سیاست خارجی ایران»، فصلنامه سیاست خارجی، سال ۲۸، شماره ۱، بهار، صص ۳۹-۱.

دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۹۲). «گفتمان اعتدال در سیاست خارجی ایران»، همشهری دیپلماتیک، مرداد، شماره ۷۴.

دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۸۶). «گفتمان اصول گرایی عدالت محور در سیاست خارجی دولت احمدی نژاد»، فصلنامه دانش سیاسی، بهار و تابستان، بهار و تابستان، صص ۹۸-۶۷.
ذوالفقاری، مهدی و ذینی وند، حسین (۱۳۹۷). «جایگاه دیپلماسی اقتصادی در سیاست خارجی ایران: (دولت های احمدی نژاد و روحانی)»، فصلنامه پژوهش های روابط بین الملل، دوره هشتم، شماره اول، صص ۹۴-۶۷.

رضایی، علیرضا و ترابی، قاسم (۱۳۹۲). «سیاست خارجی دولت حسن روحانی، تعامل سازنده در چارچوب دولت توسعه گرا»، فصلنامه تحقیقات سیاسی بین الملل، شماره ۱۵، تابستان، صص ۱۶۱-۱۳۱.

رمضانی، روح الله (۱۳۸۰). چارچوبی تحلیلی برای بررسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، ترجمه علیرضا طیب، تهران: نشر نی.

روحانی، حسن (۱۳۹۱). امنیت ملی و دیپلماسی هسته ای، چاپ چهارم، تهران: مجمع تشخیص مصلحت نظام، مرکز تحقیقات استراتژیک.

روحانی، حسن (۱۳۸۹). «سیاست خارجی و آینده نفت و گاز ایران»، فصلنامه روابط خارجی، سال دوم، شماره ۷، پاییز، صص ۳۸-۷.

سلطانی، علی اصغر، (۱۳۸۴). قدرت، گفتمان و زبان؛ سازوکارهای جریان قدرت در جمهوری اسلامی ایران، تهران: نشر نی.

عابدینی، حسن و ایزدی، جهانبخش (۱۳۹۶). «نقش متغیرهای داخلی بر سیاست گذاری هسته ای دولت یازدهم»، فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست گذاری عمومی، دوره ۷، شماره ۲۵، زمستان، صص ۲۸۹-۲۷۱.

فریدون، حسین و قوام، عبدالعلی (۱۳۹۷). «عوامل موثر بر گفتمان اعتدال در سیاست گذاری عمومی، مطالعه موردی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر پیش نظریه جیمز روزنا»، فصلنامه پژوهشی سیاستگذاری عمومی، دوره ۴، شماره ۱۰، بهار، صص ۱۹۰-۱۷۱.

فصلنامه مطالعات سیاسی؛ سال سیزدهم، شماره ۵۰، زمستان ۱۳۹۹

قریشی، فردین و علیزاده اقدم، محمد باقر (۱۳۹۶). «تحول گفتمان عدالت در ایران: مطالعه موردی دولت های محمود احمدی نژاد و حسن روحانی»، فصلنامه جامعه شناسی اقتصادی و توسعه، شماره ۲، زمستان، ۱۸۰-۱۴۳.

کسرای، سالار و سعیدی، بنت الهدی (۱۳۹۵). «تحلیل گفتمان عدالت در دهه سوم انقلاب با تاکید بر سال های ۱۳۸۰-۸۴»، فصلنامه جامعه شناسی تاریخی، صص ۱۶۹-۱۲۹.

کسرای، محمدسالار (۱۳۸۸). «نظریه گفتمان لاکلا و موفه ابزاری کارآمد در فهم و تبیین پدیده های سیاسی»، مجله سیاست، دوره ۳۹، شماره ۳، صص ۳۶۰-۳۳۹.

مجیدی، حسن و رحیمی نیا، محسن (۱۳۹۷). «تحلیل گفتمان اعتدال در انتخابات ریاست جمهوری یازدهم»، فصلنامه پژوهش های راهبردی سیاست، سال هفتم، شماره ۵۵، تابستان، صص ۱۵۵-۱۲۵.

محمدی منوچهر و مولانا، حمید (۱۳۸۸). سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دوره احمدی نژاد، تهران: نشر دادگستر.

مقدمی، محمدتقی (۱۳۹۰). «نظریه تحلیل گفتمان لاکلا و موف و نقد آن»، مجله معرفت فرهنگی اجتماعی، سال دوم، شماره ۲، بهار، صص ۱۲۴-۹۱.

منوچهری، عباس (۱۳۹۰). رهیافت و روش در علوم سیاسی، چاپ سوم، تهران: انتشارات سمت.

واعظی، محمود (۱۳۸۷). «راهبرد تعامل سازنده و الزامات سیاست خارجی توسعه گرا»، مجموعه مقالات سیاست خارجی توسعه گرا، چاپ اول، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک.

ب) سایت ها و خبرگزاری ها

دهقانی، جلال، (۱۳۹۶). www.mashreghnews.ir/news/77302

حقیقت، صادق، (۱۳۹۲). «گفتمان اعتدال» <https://www.magiran.com/article/2770785>

روحانی، حسن، (۱ فروردین ۱۳۹۴). «پیام نوروزی تلویزیونی»، قابل دسترس در:

<http://www.president.ir/fa/85503>.

روحانی، حسن، (۲۲ بهمن ۱۳۹۲). «سخنرانی در سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی - ایران»، قابل دسترس در:

www.president.ir/fa

پایگاه آنلاین ملت (۱۳۹۲/۴/۱۷). روحانی: دولت یازدهم از اقتصاد دستوری دست بر می دارد.

مهرنیوز (۱۳۹۲/۴/۲۰). مسببان وضع اقتصادی در کنار متهمان فساد سه هزار میلیاردی باید دادگاهی شوند.

ج) منابع انگلیسی

- Ehteshami, A. (2008). **The Rise and Impact of Iran's Neocons**. Available at <http://reports.stanleyfoundation.org>.
- Ehteshami, A., & Mahjoob, Z. (2008). **Iran and the Rise of its Neoconservatives**. New York: I. B. Tauris & Co Ltd.
- Fallahi, S. (2007). "Review of Nuclear Policy during the Presidency of Mohammad Khatami and Mahmoud Ahmadinejad", **Journal of Political Science**, 6(1), 79-110.
- Kazemzadeh, M. (2014). "Hassan Rohani Election and Its Consequences for American Foreign Policy", **American Foreign Policy Interest**. 36.
- Haji-Yousefi, Amir Mohammad (2010). "Iran's Foreign Policy During Ahmadinejad: From Confrontation to Accommodation", **Annal Conference of the Canadian Political Science Association**, 2-3-June: 1-25. at: <http://www.cpsa-acsp.ca/papers-2010/haji-yousefi1.pdf>
- Larijani, a. (2011). **Interview with Mosallas Magazine**, **Mosallas Magazine** 92(4). 117-120. (in Persian)
- Laclau, E., & Mouffe, Sh. (2013). **Hegemony and Socialist Strategy towards radical democratic politics**, (translated by Rezai) Tehran: Sales.
- Laclau, Ernesto and Mouffe, Chantal (2001). **Hegemony and Socialist Strategy: Toward a Radical Democratic Politics**, New York: Verso Books.
- Laclau, E & Mouffe, C. (1985). **Hegemony and Socialist Strategy: Towards a Radical Democratic Politics**, London: Verso Book.
- Larsen, Henrik (1997). **Foreign Policy and Discourse analysis France and Britain and Europe**, New York: Routledge.
- Mahapatra, C., & Shebont, R. (2014). **New Direction in Iranian Foreign policy: Impact on Global Energy Security**. *Strategic Analysis*, 38(3), 259- 264
- Naji, K. (2008). **Ahmadinejad: the Secret History of Iran's Radical Leader**. California: University of California Press.
- Rouhani, Hassan, (2013). **Why Iran Seeks Constructive Engagement**, available at: http://www.washingtonpost.com/opinions/president-of-iran-hassan-rouhani-time-to-engage/2013/09/19/4d2da564-213e-11e3-966c-9c4293c47ebe_story.html, 20 September, (Retrieved at: 27 July 2015).
- Smith, B. (2011). "Iran's Nuclear Program: an update", **House of Commons, International Affairs and Deafen Section**, No. sn/ia/6039, pp.1-31

- Van dijk, Teun A, (1998). "Social Cognition and Discourse", in H. Giles & R. P. Robinson, Handbook of Social Psychology and Language, the Netherlands: University of Amsterdam.
- Wæver, Ole (2002). "Identity, Communities and Foreign Policy: Discourse analysis as Foreign Policy Theory", in **European Integration and National Identity The challenge of the Nordic states**, by Wæver, Ole, Hansen, Lene, New York: Routledge.